

اسلامی سازی «اصل آزادی قراردادی» با تأکید بر مبانی قرآنی

مهدی هممتیان¹؛ عبدالحسین خسروپناه²

چکیده

یکی از مهم‌ترین اهداف انقلاب اسلامی، اسلامی‌سازی همه بخشهای نظام و تحقق اسلامیت در همه زمینه‌های اجتماعی است. در این راستا، اسلامی‌سازی علوم انسانی مبتنی بر ماتریالیست، همواره مورد تأکید رهبر معظم انقلاب بوده است. **هدف:** هدف از انجام این پژوهش، جایگزینی مبانی اسلامی به جای مبانی سکولار در نظریه اصل آزادی قراردادی و معرفی یک نظریه اسلامی معادل با آن بود. **روش:** این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و انتقادی و با رویکرد مبنامحور انجام شده است. **یافته‌ها:** با جایگزینی مبانی اسلامی به جای مبانی غربی در نظریه اصل آزادی قراردادی، این نظریه به یک نظریه اسلامی تبدیل شد که با نمونه غربی آن تفاوت‌هایی دارد. **نتیجه‌گیری:** نظریه «آزادی قراردادی» با مبانی اسلامی، آزادی را تا جایی جایز می‌داند که مخالف وحی و شرع مقدس نباشد. بنابر این، حدود آزادی انسان در ایجاد تعهد و قراردادهای، توسط وحی و شرع مشخص می‌شود.

واژگان کلیدی: مبانی قرآنی، آزادی قراردادی، علوم انسانی، اسلامی‌سازی.

الف) مقدمه

دریافت مقاله: 99/06/30؛ تصویب نهایی: 99/12/19.

1. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث (نویسنده مسئول) / نشانی: قم، بلوار معلم، جامعه المصطفی العالمیه / شماره: 02537172813

Email: hemmat110@yahoo.com

2. دکترای کلام اسلامی، استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

424 ♦ اسلامی‌سازی «اصل آزادی قراردادی» با تأکید بر مبانی قرآنی

به تحقیق، انقلاب اسلامی ایران را می‌توان یکی از مهم‌ترین پدیده‌های تاریخ اسلام نامید که از بدو تولد همواره منشأ آثار فراوانی در جهان اسلام بوده است. مهم‌ترین رکن انقلاب اسلامی، اسلامیت آن است و این یعنی انقلابی که تمام ابعاد آن اسلامی است؛ یعنی دانشگاهها و آموزه‌های علمی آن نیز باید اسلامی باشد. به همین سبب در اوایل انقلاب، ستاد انقلاب فرهنگی به دستور حضرت امام ایجاد شد که یکی از مباحث مهم آن، اسلامی‌شدن دانشگاهها بود.

اسلامی‌شدن دانشگاهها همواره با دو دیدگاه نگریده می‌شد. دیدگاه اول که سطحی به این مسئله می‌نگریست، معتقد بود همین که دانشگاهها ظاهری اسلامی داشته باشند، دانشگاه اسلامی شده است. اما دیدگاه دوم با نگاهی عمیق‌تر به مسئله، معتقد است اسلامی‌سازی دانشگاهها با ظاهرسازی اسلامی تحقق نمی‌یابد؛ بلکه باید علوم و آموزه‌های آن اسلامی شود و این بیشتر متمرکز است بر علوم انسانی موجود که با مبانی سکولار، سایه‌ای سنگین بر جامعه ما انداخته است. اسلامی‌شدن دانشگاهها به عنوان یکی از اهداف بلند انقلاب اسلامی، همواره مورد تأکید رهبر معظم انقلاب بوده است و ایشان بارها جامعه علمی کشور را به استنباط مبانی علوم انسانی از قرآن کریم و اسلامی‌کردن این علوم فرا خوانده‌اند.

در این پژوهش، یکی از نظریات علوم انسانی غربی با جایگزینی مبانی اسلامی به جای مبانی سکولار آن، به یک نظریه اسلامی تبدیل می‌شود. از این رو، ابتدا مبانی غربی نظریه اصل آزادی قراردادی از جمله مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و... مطالعه و شناسایی می‌شود؛ آنگاه پس از مقایسه‌ای مختصر با مبانی معادل اسلامی جایگزین می‌شوند و سپس نتیجه جایگزینی به عنوان یک نظریه اسلامی بیان می‌شود. قبل از ورود به اصل بحث، گفتنی است که تاکنون تحقیق مستقلی درباره اسلامی‌سازی اصل آزادی قراردادی نوشته نشده است. البته در برخی تحقیقات به اجمال به برخی از مبانی غربی آن اشاره شده (رک: آهنگران، 1398: 19-1؛ یگدلی، 1394)، اما جایگزینی و مقایسه‌ای صورت نگرفته است.

ب) مفهوم‌شناسی

1. اصل آزادی قراردادی

مهم‌ترین اصل در باب حقوق قراردادها، اصل آزادی قراردادی است (دبانی، 1395: 70) که می‌توان آن را مبنای حقوق مرتبط با قراردادها قلمداد کرد (ذکر صالحی، 1388: 52). مطابق این اصل، افراد در تعیین طرف قرارداد، شروط و اوصاف و حدود آثار قراردادشان آزادند (همان)؛ یعنی با هر کسی که بخواهند و با هر شرط یا وصفی می‌توانند معامله کنند و دولت حق دخالت در شکل و کیفیت معامله آنها را ندارد. همچنین می‌توانند حدود آثار قراردادشان را خودشان تعیین کنند و در مواردی که مخالف قانون نباشد، قراردادشان را منحل کنند (شهیدی، 1380: ج 1: 56). به عبارتی؛ اراده افراد در تعیین سرنوشت قراردادهایشان حاکم است (کاتوزیان، 1376: ج 1: 144). اصل آزادی قراردادی نتیجه اصل حاکمیت اراده است (همان). به عبارتی؛ اصل حاکمیت اراده، مبنای فلسفی اصل آزادی قراردادی محسوب می‌شود. (بهرامی احمدی، 1390: 65)

2. اصل حاکمیت اراده¹

حاکمیت اراده یعنی اراده افراد بر هر چیزی فائق و حاکم است و هیچ اراده دیگری نمی‌تواند اراده افراد را محدود کند. این اراده انسان است که حق قانونگذاری دارد و حق و تکلیف را مشخص می‌کند. اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادی، برگرفته از مبانی فلسفی فلاسفه دوره روشنگری، به خصوص امانوئل کانت است که در پیوند با اومانیسیم و سوپرناتوریسم رشد کرده است. (فاسی، 1388: 204)

حاکمیت اراده در حقوق، اندکی محدودتر تعریف می‌شود. در حقوق، اراده حاکم است تا وقتی که با قانون تنافی نداشته باشد (کاتوزیان، 1376، ج 1: 199). حاکمیت اراده مبنای فلسفی اصل آزادی قراردادی است. پس از پذیرش اصل حاکمیت اراده در حوزه حقوق، جامعه حقوقی آزادی قراردادی را به عنوان یک اصل پذیرفت و آن را یکی از نتایج حاکمیت اراده در حوزه حقوق می‌داند. دکارت از اولین فلاسفه غربی بود که اصل حاکمیت اراده را مطرح کرد که بعدها در فلسفه جان لاک رشد کرد و در فلسفه کانت به اوج رسید. کانت نقش قاطعی در پدید آمدن نظریه حاکمیت اراده داشته است؛ تا قبل از او، اراده به تنهایی نمی‌توانست قراردادی را به وجود آورد و این کانت بود که با تعریف قرارداد به «عمل اراده متحد دو شخص که به موجب آن به طور کلی عمل یکی بدل به عمل دیگری شود»، قرارداد و اقتدار آن را متکی به اراده فرد دانست. (مالوری، 1383: 203-204)

بر اساس اصل حاکمیت اراده، انسان تنها به واسطه اراده خود متعهد می‌شود و اراده دیگری نمی‌تواند برای او تعهدی ایجاد کند. همچنین تمام روابط و نهادهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... نیز از اراده فردی افراد سامان یافته و شکل می‌گیرد (همان: 176). از نظر کانت، بنیاد حقوق اختیار و آزادی، اراده انسان است و بر همین اساس، حقوق را بدین شکل معنا کرده است: «مجموعه شرایطی که به موجب آن، اراده و گزینش آزاد یک فرد می‌تواند طبق قانون کلی آزادی و اختیار، با اراده و گزینش آزاد فرد دیگر سازگاری یافته و با آن قابل جمع باشد» (همان: 177-178). در فلسفه کانت، اراده انسان منبع و منشأ حق و تکلیف است و همچنین هدف و غایت حقوق نیز حفظ حقوق شخصی افراد است که حاصل اراده آزاد آنهاست. (فاسی، 1388: 178)

کانت معتقد است، اراده انسان به عنوان موجودی عاقل باید منشأ قوانین الزام آور حقوقی قرار بگیرد. وی حاکمیت اراده را «اصل اعلای اخلاق» و «تنها اصل کلیه قوانین اخلاقی و تکالیف متناظر آنها» می‌داند. بر عکس تابعیت اراده «منشأ کلیه اصول کاذب اخلاقیات است و گذشته از اینکه مبنای الزام و تعهد را فراهم نمی‌آورد، مخالف با اصل الزام و تعهد و اخلاقیات اراده است» (کاپلستون، 1375، ج 4: 336). از آنجا که

1 دکارت در تعریف اراده معتقد است: اراده عبارت است از قدرت ما بر فعل یا ترک... و به عبارت دیگر؛ اراده فقط عبارت است از اینکه در اثبات یا نفي، پذیرش یا رد آنچه فاهمه عرضه می‌کند، طوری عمل کنیم که احساس نکنیم نیرویی خارجی ما را به آن مجبور ساخته است (شهرآیین و ذوالقدر، 1397: 174). جان لاک معتقد است انسان در وضع طبیعی از آزادی برخوردار است و می‌تواند هر کاری را که برای زندگی و سعادت خود لازم می‌داند، بدون اجازه گرفتن از کسی یا مقامی آزادانه انجام دهد، به این شرط که از حدود قانون طبیعت تجاوز نکند (سید حسین امامی، سایت دائرهالمعارف بزرگ اسلامی). کانت در تعریف اراده و آزادی اراده معتقد است: اراده نوعی از علیت موجودات زنده است تا آنجا که خردمند باشد و آزادی اراده همان استقلال اراده است؛ یعنی اراده ای که نسبت به خودش یک قانون باشد. (کانت، 1369: 104)

426 ♦ اسلامی‌سازی «اصل آزادی قراردادی» با تأکید بر مبانی قرآنی

امانوئل کانت به عنوان تأثیرگذارترین فرد در این نظریه مطرح است، مبانی و پیش‌فرضهای وی در این نظریه بررسی شده است.

ج) مبانی، روش و پیش‌فرضها

1. هستی‌شناسی

یک) مبانی هستی‌شناسی کانت

هستی‌شناسی دانشی است که به ساختهای مختلف هستی می‌پردازد. هستی‌شناسی بخش مهمی از هر نظام فلسفی است که به بررسی پرسشهای ذیل می‌پردازد: آیا هستی منحصرأ ماده است یا شامل متافیزیک نیز می‌شود؟ ذهنی است یا خارجی؟ قدیم است یا حادث؟ واجب است یا ممکن؟ و...

نوع نگاه یک اندیشمند علوم انسانی به هستی می‌تواند تأثیر بسیاری در نظریات وی داشته باشد. از این رو لازم است هستی‌شناختی کانت به عنوان نظریه‌پرداز مهم آزادی اراده، بررسی شود.

در تاریخ فلسفه غرب، دوران رنسانس و روشنگری را می‌توان سرآغازی برای نگاه متفاوت اندیشمندان غربی به جهان هستی دانست. در این دوران، نگاه مادی به هستی توسعه یافت و نقش فراماده و متافیزیک در جهان هستی بسیار کم‌رنگ شد؛ گویی ارتباطی بین متافیزیک و ماده وجود ندارد. کانت به عنوان یکی از بزرگترین فلاسفه دوره روشنگری نیز از این بحث مستثنا نیست. کانت در نگاهی مادی به هستی، انسان را حلال تمامی مشکلاتش می‌شناسد و معتقد است در این مسیر نیازی به فراماده نیست؛ یعنی اراده آزاد و مستقل انسان، وی را برای رسیدن به سعادت از خداوند نیز بی‌نیاز کرده است (کانت، 1381: 40؛ کاپلستون، 1375: ج 4: 336؛ قربانی، 259: 1387) و این اوج مادی‌نگری کانت است.

امانوئل کانت، خدا و متافیزیک را به نوعی قبول و به آن اعتقاد دارد (بایکن و استرول، 274: 1391)؛ اما معتقد است متافیزیک از آن نظر که قابل حس و تجربه نیست، قابل شناخت نیست و نمی‌توان بدان علم یافت؛ اما با کمک عقل عملی می‌توان وجود آن را اثبات کرد. خدا و متافیزیکی که کانت به وجودشان اعتقاد دارد، ساخته ذهن آدمی‌اند؛ یعنی با عقل عملی و اخلاق می‌توان خداوند را تصور کرد. (محمدپور، 79: 1391) نکته مهم در هستی‌شناختی کانت این است که گرچه وی به ماوراءالطبیعه نیز اعتقاد دارد، اما حقایق آن را نیز در پرتو من‌انسانی معنا می‌کند (صانع‌پور، 93: 1388). کانت ماورا و متافیزیک را قبول دارد، اما تأثیری برای آن بر عالم ماده قائل نیست. بنابراین، هستی‌شناختی کانت به نوعی مادی‌نگری است، اگرچه وجود ماورای ماده را قبول دارد.

دو) مبانی هستی‌شناسی اسلامی

هستی‌شناسی اسلامی نگاهی مادی و فرامادی به هستی دارد و معتقد است میان ماده و فراماده ارتباط و همبستگی وجود دارد و این ارتباط بیانگر تأثیر متقابل ماده و فراماده است. در این نگاه فراماده برای رسیدن انسان به کمال نقش اساسی دارد و بدون شناخت آن نمی‌توان در این مسیر گام نهاد و به مقصد رسید.

در قرآن کریم به زیبایی به احتیاجات مادی و فرامادی انسان اشاره شده است و اینکه خداوند متعال با نعمتهای ظاهری و باطنی برای انسان توسعه و راحتی ایجاد کرده است. «آیا ندیدید خداوند آنچه را در

427 مهدی همتیان و عبدالحسین خسروپناه

آسمانها و زمین است مسخر شما کرده، و نعمتهای آشکار و پنهان خود را به طور فراوان بر شما ارزانی داشته است؟» مراد از نعمتهای ظاهری در این آیه، نعمتهای حسی و مراد از نعمتهای باطنی، نعمتهای فراحسی است. (طباطبایی، 1390، ج 16: 229)

در جای دیگر بر ارتباط عالم ماده و فراماده چنین تصریح شده است: «فساد در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده، خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمال آنها را به آنها بچشاند شاید (به سوی حق) بازگردند» (روم: 41). در این آیه، فساد و بلیه و هر آنچه نظام زندگی انسان را به هم می‌ریزد، مرتبط با اعمال بد انسانها دانسته شده است (همان: 195). بنابر این، نگاه هستی‌شناسی قرآن، یک نگاه عام است که هستی را منحصر در ماده نمی‌داند.

در هستی‌شناسی قرآنی جهان و همه موجودات، اسباب و مسببات، علل و معلولات تحت اراده خداوند متعال قرار دارند و همه آنها در مقابل خداوند فقر محض‌اند؛ یعنی تمامی هستی بدون خداوند هیچ است و هیچ‌گونه استقلالی از خود ندارند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر: 15). به عبارت بهتر؛ علت‌العلل در جهان هستی اوست. با این نگاه، خداوند خالق هستی، مدبّر هستی، مربی هستی، فاعل هستی و... است و اراده انسان در طول اراده الهی مالیت می‌یابد و منشأ اثر می‌تواند باشد. بنابر این، با مبانی هستی‌شناختی اسلامی اراده مطلقاً آزاد نداریم و خداوند است که به انسان آزادی می‌دهد و قلمرو آزادی وی را مشخص کرده است.

سه نتیجه جایگزینی مبانی هستی‌شناسی

مبنای کانت در هستی‌شناختی عبارت است از اینکه خدا و عالم ماورای ماده وجود دارند. اما خداوند با هدیه استقلال و آزادی اراده به انسان، احتیاجات انسان را به خود انسان واگذاشته و انسان برای حل مشکلاتش نیازی به خدا و ماورا ندارد. بنابر این، در اندیشه کانت، نقش خدا و متافیزیک در زندگی انسان بسیار کم‌رنگ است؛ زیرا انسان برای زندگی خویش احتیاجی به آنها ندارد. اما در هستی‌شناختی اسلامی قرآنی، انسان نیازهای مادی و فرامادی دارد، همچنین فراماده در ماده مؤثر است و ارتباطی وثیق بین آن دو برقرار است.

با جایگزینی مبانی هستی‌شناختی اسلامی به جای هستی‌شناختی غربی، نتیجه این می‌شود که با توجه به فقر ذاتی انسان و تأثیر فراماده در ماده و اینکه انسان توان درک مصالح فرامادی خویش را ندارد، پس نمی‌تواند با اراده‌ای حاکم و فائق و با آزادی مطلق به انجام امور و پذیرش تعهدات پردازد؛ یعنی انسان در قراردادهایش به طور مطلق آزاد نیست و این وحی است که با شناخت کاملی که از نیازهای مادی و فرامادی انسان دارد، می‌تواند اراده انسان را به سمت کمال سوق دهد. بنابر این، نظریه پرداز علوم انسانی، با عقیده به نقش فراماده در سعادت انسان، برای دست یافتن به فراماده نیازمند راه صحیح و بی‌خطایی همچون وحی است تا با استفاده از آن به ارائه نظریه پردازد.

2. معرفت‌شناسی

428 ♦ اسلامی‌سازی «اصل آزادی قراردادی» با تأکید بر مبانی قرآنی

انسان از بدو تولد با مواجهه با جهان اطراف خود و با کمک حواس خود، در پی شناخت پیرامون خویش است و به مرور به معلوماتی از خود و اطراف خود دست می‌یابد. علم‌یابی یا همان معرفت‌شناسی در میان فلاسفه همواره موضوع بحث بوده است. برخی معتقدند در معرفت‌شناسی، رسیدن به واقعیات خارجی ممکن نیست و آنچه ذهن از حقایق خارجی ترسیم می‌کند مطابق آن حقایق نیست؛ برخی معتقدند رسیدن به وقایع خارجی ممکن است و برخی نیز دچار تردید و نسبی‌گرایی شده‌اند (سبحانی، 1383، ج 1: 189-190). اختلاف فلاسفه در نوع نگاه به واقع و امور ذهنی، تأثیر مهمی در ایراد نظریات علمی داشته و همین اختلاف‌مبنایی، منشأ اختلاف نظریات علمی در موضوع واحد شده است. حال باید دید مهم‌ترین صاحب نظریه مورد بحث درباره معرفت‌شناسی، جزء کدام دسته قرار گرفته است و راجع به دستیابی به علم و معرفت چه دیدگاهی دارد.

یک) مبانی معرفت‌شناسی کانت

کانت جزء دسته نسبی‌گراها در معرفت‌شناسی به شمار می‌رود و شاید بتوان او را مهم‌ترین فیلسوف پدیدآور نسبی‌گرایی در غرب نامید (خسروپناه، 1392: 38). پذیرش فلسفه کانت درباره معرفت و شناخت نتیجه‌ای جز ایدئالیسم ندارد؛ زیرا در فلسفه کانت شناخت واقع نسبی است و مطابقت با واقع ممکن نیست. همچنین معیار معرفت و شناخت وجود ندارد و این با تفکر رئالیست که معتقد است شناخت و مطابقت آن با واقع ممکن و معیار شناخت نیز وجود دارد، سازگار نیست.

از نظر کانت، انسان عامل اصلی معرفت محسوب می‌شود (محدیور، 1391: 50). بر این اساس، کانت احکام ترکیبی پسینی را حاصل تجربه و عقل می‌داند؛ یعنی اینکه ماده از خارج به وسیله حس و تجربه وارد ذهن می‌شود و در قالب دوازده گانه ذهن قرار گرفته و تحت تأثیر قرار می‌گیرد. آنگاه صورتهایی پدید می‌آورد که با آن صورتهای عالم تجربی شناخته می‌شود (پایکن و استرول، 1391: 275-274) که در حقیقت؛ نه آن ماده خارجی است و نه آن احکام پسینی موجود در ذهن، بلکه منفعل از هر دو است. حاصل اینکه از نظر کانت، احکام علوم تجربی و طبیعی از نوع احکام ترکیبی پسینی‌اند و ارزش نسبی دارند. (خسروپناه، 1392: 39-38) در فلسفه کانت، شناخت متافیزیکی و مابعدالطبیعه غیر ممکن است؛ زیرا مابعدالطبیعه قابل حس و تجربه نیست (پایکن و استرول، 1391: 279). بنابر این، از نظر او؛ خداوند، حقیقت نفس و کلیه امور متافیزیکی از این حیث که قابل حس نیستند، قابل ادراک نیز نمی‌باشند و این به خاطر این است که قلمرو معرفت و شناخت از نظر کانت، تنها نمودهای ذهنی است که به وسیله حس و تجربه حاصل می‌شوند. (صانع‌پور، 1388: 95)

دو) معرفت‌شناسی اسلامی

فلاسفه اسلامی بر خلاف کانت، معتقد به رئالیسم معرفتی‌اند و معتقدند جهان خارج از ذهن انسان به طور مستقل وجود دارد و توسط ذهن آدمی قابل شناخت و شناساندن است. از این رو، حکمای مسلمان به دنبال کسب معارف یقینی از معارف پایه‌ای بهره می‌برند. به عبارتی؛ تمام معرفتهای خداشناسی، اسلام‌شناسی، جامعه‌شناسی و... از معرفتهای پایه تبعیت می‌کنند. بنابر این، در مکتب اسلام، معرفت‌شناسی یقینی و مطابق واقع ممکن است و راههای معرفت‌شناسی نیز تبیین شده است. برهان و استقرا، راههای رسیدن به معرفت

یقینی دانسته شده است؛ برهان قیاسی است که از یقینات تألیف شده و نتیجه یقینی می‌دهد و استقرا، اثبات حکم کلی است که در مصادیق جزئی آن کلی ثابت است.

ابزار معرفت نیز محل بحث فلاسفه اسلامی قرار گرفته است. حس، خیال، واهمه، قلب و عقل به عنوان ابزار معرفت مطرح‌اند. یکی از منابع شناخت در فلسفه اسلامی، دین است و این چیزی است که در فلسفه کانت به آن توجهی نمی‌شود، بلکه بر عکس در فلسفه کانت، انسان را فاعل شناسا و دین را ذهن آدمی می‌شناساند. فطرت، طبیعت و کنشهای انسانی از دیگر منابع شناخت در فلسفه اسلامی‌اند. معرفت‌شناسی اسلامی مبتنی بر برخی مبانی قرآنی است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

مبانی معرفت‌شناسی اسلامی

1. رئالیسم معرفتی: رئالیسم معرفتی، دیدگاهی است که در آن، جهان به طور مستقل از ذهن موجود است و امکان شناخت و معرفت آن نیز وجود دارد. دقیقاً بر خلاف دیدگاه مقابل؛ یعنی ایدئالیسم که معتقد است واقعیتی غیر از واقعیت ذهنی وجود ندارد و جهان خارج از ذهن، سازه‌ای از ذهن انسان است.

رئالیسم معرفتی را می‌توان دارای مبانی قرآنی دانست؛ زیرا در قرآن به وضوح به متعلقات شناخت ذهن انسان اشاره شده و از آنها به عنوان حقایقی که می‌توانند معلوم انسان واقع شوند، یاد شده است؛ مانند خداوند متعال، قیامت و برزخ، دین و دنیا، بهشت و جهنم، پاداش و کیفر. (جوادی آملی، 1379: 309-297؛ خسروپناه، 1392: 142-138)

در قرآن کریم، شناخت یقینی و مطابق واقع میسر دانسته شده و انسان به شناخت حقیقت تشویق شده است: «وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ» (بقره: 4)؛ «وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ» (آیات: 20) (صباح یزدی، 1391: 30). بنابر این، فلاسفه اسلامی با دیدگاه رئالیسم معرفتی، جهان خارج از ذهن را مستقل و آن را قابل شناخت می‌دانند.

کانت اگر چه وجود جهان خارج را می‌پذیرد، اما قائل به شناخت نسبی است و شناخت مطلق را نمی‌پذیرد و البته تنها امور حسی و تجربی را در محدوده شناخت داخل می‌داند و این یعنی ایشان متافیزیک را که اصلاً قابل شناخت نمی‌داند و جهان مادی را نیز که قابل شناخت می‌داند، به شناخت نسبی آن معتقد است، نه شناخت حقیقی و واقعی آن.

2. ابزار معرفت: ابزار و وسایلی که می‌توان به کمک آنها به شناخت و معرفت رسید در میان حکمای اسلامی عبارتند از: حس، قوه خیال، قوه عاقله، قوه واهمه، قوه متخیله، قلب و... قرآن کریم به برخی از ابزارهای شناخت اشاره کرده است؛ از جمله اینکه گوش و چشم و قلب را از ابزار معرفت دانسته است: «و خداوند شما را از شکم مادران خارج کرد، در حالی که هیچ نمی‌دانستید، اما برای شما گوش و چشم و عقل قرار داد، تا شکر نعمت او را بجا آورید» (نحل: 78). یا در آیه 36 سوره اسراء که شناختهای حاصل از گوش، چشم و قلب مورد سؤال دانسته شده است؛ یعنی انسان در قبال معارفی که از طریق گوش، چشم و قلب حاصل می‌کند، مسئول است. اینکه تنها از قوای حسی به گوش و چشم اشاره شده و از لامسه، ذائقه و شامه نام نبرده است، به خاطر اهمیت و ویژگی‌های ممتاز حسهای شنوایی و بینایی انسان است. (طباطبایی، 1390: ج 12: 312)

3. منابع شناخت: دین به عنوان مهم‌ترین منبع شناخت، در فلسفه اسلامی مورد توجه است. قرآن، سنت و عقل از منابع اصلی و اجماع، سیره، شهرت، عرف و... از منابع فرعی شناخت محسوب می‌شوند. در قرآن کریم نیز دین یا به تعبیر خاص تر وحی، به عنوان منبع شناخت تأکید شده است. آیه 165 سوره نساء از جمله

430 ♦ اسلامی‌سازی «اصل آزادی قراردادی» با تأکید بر مبانی قرآنی

آیاتی است که در آن می‌توان به عدم کفایت عقل، جهت شناخت پی برد؛ در این آیه آمده است که رسولانی برای بشارت و انذار، به سوی مردم فرستاده شدند تا دیگر برای مردم عذر و حجتی باقی نماند. آنچه از این آیه فهمیده می‌شود آن است که اگر عقل به عنوان منبع شناخت برای معرفت مردم کافی بود، آنگاه دیگر در صورت عدم ارسال رسل، مردم در عدم معرفتشان عذر و حجت داشتند. (جوادی آملی، 1379: 199)

سه) نتیجه جایگزینی مبانی معرفت‌شناسی

با جایگزینی مبانی معرفت‌شناختی کانت (نسبی‌گرایی) با مبانی معرفت‌شناختی اسلامی (رتالیسم معرفتی)، نتیجه این می‌شود که در نظریه آزادی قراردادی، انسان برای شناخت و معرفت مصالح خویش می‌تواند به واقع برسد و البته یکی از مهم‌ترین ابزاری که برای معرفت و شناخت در اختیار دارد، وحی است و انسان از طریق وحی می‌تواند به واقع و به تبع آن به سعادت حقیقی در دنیا و آخرت برسد. بنابر این، هر انسانی در بستن قرارداد، تنها در محدوده‌ای آزاد است که آن محدوده را از طریق ابزار شناخت حسی، عقلی و وحیانی درک کرده و مطمئن است که در این محدوده مطابق واقع قدم برمی‌دارد و به سعادت می‌رسد. پس آزادی مطلق نداریم.

3. انسان‌شناسی

انسان برای شناخت عالم خارج خود نیازمند شناخت خویش است و تا وقتی شناخت صحیحی از خویش به دست نیآورد، نمی‌تواند جهان‌بینی صحیحی داشته باشد. از این رو، در دنیای اندیشمندان و نظریه‌پردازان، گه‌گاه اختلافات عمیق و ریشه‌ای پیرامون یک گزاره علمی مشاهده می‌شود و هر کس بر مبانی شناختش از انسان، نظریه‌ای می‌دهد. بنابر این، برای شناخت و بررسی دقیق نظریات علمی، انسان‌شناختی صاحب نظریه بسیار کارساز و روشنگر مبانی دیگر وی نیز می‌باشد. از این رو، در این پژوهش نگاه کانت به انسان، بیان و بررسی شده است.

یک) مبانی انسان‌شناسی کانت

تفکر انسان‌محوری و اومانیزم، توسط دکارت در فلسفه به وجود آمد و در فلسفه کانت به قدری رشد کرد که از نظر او، فکر و عمل انسان، وضع‌کننده قاعده و قانون است؛ این عقل انسان است که اصول اخلاقی را بازمی‌شناسد و وظیفه انسان را در قبال آن گوشزد می‌کند و این چنین است که انسان می‌تواند قانونگذار خویش باشد (دان کیویت، 1380: 165)؛ از نظر کانت، انسان موجودی صاحب فکر و اندیشه است و از این رو، تمامی خواسته‌هایش برآمده از خود او و متکی به ذات اوست. به نظر کانت، اگر انسان دین دارد، مدنیت دارد، اگر صنعت و هنر دارد همه و همه را از ذات خویش دارد و با اندیشه و اراده خود به وجود آورده است. اندیشه انسان حتی خداوند و دین مورد نیازش را نیز خلق می‌کند. از نظر کانت، انسان به اعتبار وجود مادی خود مخلوق خداوند است؛ ولی از وجود مادی انسان که بگذریم، به اعتبار اندیشه و عقل خود، خالق همه چیز است. (قربانی، 1387: 267؛ صانعی، 1384: 38)

431 مهدی همتیان و عبدالحسین خسروپناه

اومانیتها اگر خداوند و ماورای طبیعت را نیز قبول داشته باشند، به عنوان فرع وجود انسان قبول دارند؛ یعنی خداوند و ماورا برای این است که به انسان خدمت کند و نیازی از نیازهای انسان را برطرف گرداند. خلاصه اینکه در این تفکر، خواسته‌ها و علایق انسان، مقدم بر همه چیز است. (خسروپناه، 1392: 48-47)

دو) انسان‌شناسی اسلامی

از آنجا که انسان مخلوق خداوند متعال است، به طبع شناخت دقیق همه ابعاد وجودی وی نیازمند بهره‌گیری از کلام خداوند است؛ یعنی در تفکر اسلامی تنها خداوند است که می‌تواند انسان را به عنوان مخلوق خویش به تمام معنا بشناساند. خداوند متعال مصحفی را که به نام انسان نوشته است، خود از بر است و به خوبی آن را از طریق وحی شرح داده است. بنابر این، انسان‌شناسی برآمده از وحی را انسان‌شناسی دینی می‌نامیم که بر همه شئون وجودی انسان آگاه است و دارای ویژگی‌های ممتازی از قبیل جامعیت، اتقان و خطاناپذیری و توجه به مبدء و معاد است.

انسانی که در انسان‌شناسی اسلامی شناخته می‌شود، دارای ویژگی‌های ذیل است:

1. موجودی است فقیر که دائم محتاج خداوند است. اگر انسان این حقیقت را درک کند، آنگاه جهان‌بینی‌اش تغییر می‌کند و رنگ و روی الهی می‌یابد. قرآن کریم به این ویژگی انسان چنین اشاره فرموده است: «ای مردم! شما (همگی) نیازمندان به خدا هستید، تنها خداوند است که بی‌نیاز و شایسته هر گونه حمد و ستایش است» (فاطر: 15). در آیه مزبور به فقر ذاتی انسان و غنای ذاتی پروردگار اشاره شده و اینکه فقر منحصر در انسان است و غنا منحصر در خداوند (طباطبایی، 1390، ج 17: 33). فقیر در آیه شریفه، به معنای کسی است که ستون فقراتش شکسته و توان ایستادن ندارد. چنین کسی برای حرکت و هر کاری محتاج است (جوادی آملی، 1379: 143) و این همان فقر محض است، گرچه از لحاظ مالی و علمی و... ثروتمند باشد.

2. انسان موجودی دو بعدی؛ یعنی جسمانی و روحانی است و بعد روحانی‌اش هویت واقعی او را تشکیل می‌دهد. بنابر این، انسان در انسان‌شناسی اسلامی، به خاطر اهمیت و بقای روح، همواره به بعد روحانی وجودی‌اش و به نیازهای آن توجه دارد. قرآن کریم به دو بعدی بودن انسان اشاره فرموده و اینکه کرامت انسان به خاطر وجود روح خداوند در خلقت انسان است، و الا جسم خاکی انسان به تنهایی ارزش و کرامتی ندارد: «هنگامی که آن را نظام بخشیدیم و از روح خودم در آن دمیدم برای او سجده کنید» (حجر: 29، ص: 72)

3. انسان در مکتب اسلام دارای فطرتی ملکوتی است که به اقتضای فطرتش خداجو، خداپرست، عدالتخواه و کمال‌طلب است. از این رو، همواره خود را محتاج دین و حیانی می‌داند (ر.ک: جوادی آملی، 1379؛ مصباح یزدی، 1383؛ خسروپناه، 1392: 164-157)

سه) نتیجه جایگزینی مبانی انسان‌شناختی

اومانیسیم انسان را دارای حق انتخاب و آزادی می‌داند که می‌تواند تعیین‌کننده سرنوشت خویش باشد. اومانیتها معتقدند انسان آزاد به دنیا آمده و از هر قید و بندی، ولو دینی رهاست و خود باید سرنوشت خویش را رقم بزند. اومانیسیم اراده انسان را حاکم بر همه چیز، حتی فرامین خداوند می‌داند. اما اسلام،

432 ♦ اسلامی‌سازی «اصل آزادی قراردادی» با تأکید بر مبانی قرآنی

آزادی مطلق انسان را نپذیرفته است و اگر چه انسان را مختار می‌داند، ولی قلمرو آزادی انسان را مطلق نگذاشته است.

یکی دیگر از ویژگی‌های اومانسیم، عقل‌گرایی افراطی است که در همه شئون آدمی وارد است و حکم می‌راند. اما در اسلام، عقل علاوه بر اینکه حجت باطنی دانسته شده، اما حد و مرز مشخصی دارد و پاسخگوی تمامی نیازهای آدمی نیست. (خسروپناه، 1392: 168-165)

نتیجه جابه‌جایی مبانی انسان‌شناسی سکولار با مبانی انسان‌شناسی اسلامی قرآنی، عدم آزادی مطلق انسان است و اینکه انسان به واسطه فقر ذاتی خویش همواره محتاج خداوند است و باید پیرو فرامین قادر متعال باشد. بنابر این، در بستن آزادی قراردادی باید به فرامین الهی توجه کند و محدوده آزادی خویش را در آنها بیابد.

4. دین‌شناسی

نگاه به دین و نقش آن در زندگی آدمی می‌تواند تأثیر بسزایی بر اعمال و امور زندگی انسان بگذارد. به همین سبب، نظریه‌پردازان علوم انسانی می‌توانند با نگاه متفاوت به دین و نقش آن در زندگی، در موضوع واحد، نظریات مختلفی ارائه کنند. کانت به عنوان یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان علوم انسانی سکولار نیز نگاهی متفاوت به دین دارد که در نظریه حقوقی وی حتماً تأثیر گذار بوده است.

یک مبانی دین‌شناسی کانت

کانت همچون اکثر فلاسفه غربی آن دوره، نقش حداقلی دین در زندگی انسان سکولار را مسلم دانست؛ یعنی دین در عرصه دنیوی حضور حداقلی دارد و این انسان است که با اراده آزاد خود، تمام شئون خویش را تنظیم می‌کند و به هیچ وجه نیازمند دین نیست (فرانی، 1387: 259). در فلسفه کانت، با پدیده‌ای به نام دین انسانی روبه‌رو می‌شویم؛ یعنی در این پدیده، تمامی شئونی که قبل از آن از شئون خداوند محسوب می‌شدند، تبدیل به شئون انسانی می‌شوند. فلسفه کانت، جامعه‌ای را به تصویر می‌کشد که هر گونه پایبندی به ارزشهای سنتی، جای خود را به ارزشهای عقلانی می‌دهد.

از نظر کانت، خدا قانونگذار نیست؛ بلکه تنها الگویی برای قانونگذاری است (کانت، 1381: 145؛ محمدپور، 1391: 239). اصول اخلاقی کانت بر خودمحوری اراده انسان پایبند است و به همین خاطر است که کانت بزرگ‌ترین خطای فلسفه سلف را در قرار دادن بنیاد اخلاق بر فرامین الهی می‌داند. (همان: 322)

اشتفان کورنر، کنت‌شناس معروف، اساس فلسفه دینی کانت را در این جمله وی دانسته است: «سواي پیش گرفتن از طریقه اخلاق در زندگی، هر کار که انسان معتقد بتواند برای خوشنودی خدا انجام دهد، توهم مذهبی صرف و پرستش ساختگی و دروغین خداوند است» (کورنر، 1367: 323). کانت معتقد بود انسان برای دیندار بودن نیازمند ادیان موجود نیست. (محمدپور، 1391: 325)

مگی یکی از فیلسوفان معاصر، درباره عقل‌گرایی کانت می‌گوید: «یکی از جالب‌ترین خصوصیات فلسفه کانت این است که او عمیقاً به فیزیک و ریاضی احاطه دارد و در شاهره فلسفه مبتنی بر علوم و ریاضیات گام می‌زند و به دقت از قواعد آن فلسفه پیروی می‌کند؛ یعنی فقط به برهان متکی است و صرفاً به معیارهای عقلی متوسل می‌شود و هر گونه تمسک به ایمان و وحی را مردود می‌داند.» (بگی، 1380: 299)

دو) مبانی دین‌شناسی اسلامی

دین‌شناسی اسلامی بر این باور است که متون دینی متصدی آباد کردن دنیا و آخرت انسان‌اند و تمام شئون زندگی انسان، اعم از اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و... را شامل می‌شوند. بر اساس این دیدگاه، هیچ واقعه‌ای خالی از حکم شرعی نیست؛ بنابر این، انسان مؤمن قبل از انجام هر عملی باید حکم آن را در شریعت جستجو کند. این دیدگاه طرفداران بسیاری دارد تا آنجا که برخی (علیدوست، 1396: 199) این دیدگاه را شایع‌ترین دیدگاه میان فقها دانسته‌اند.

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که می‌توانند در شمول حداکثری دین در همه شئون زندگی به آنها استناد کرد. در این آیات به عدم کفایت عقل بدون وحی، در هدایت و کمال انسان اشاره شده است؛ برای نمونه: «پیامبرانی فرستادیم که بشارت دهنده و بیم دهنده بودند تا اینکه بعد از آن حجتی برای مردم بر خداوند باقی نماند و خداوند عزیز و حکیم است» (نساء: 165). چنانچه عقل بشری برای هدایت انسان کافی بود آنگاه با خلقت عقل، دیگر انسانها حجتی بر خداوند نداشتند، اما در این آیه شریفه پس از خلقت عقل، خداوند با فرستادن پیامبران، حجّت را بر مردم تمام کرده است. این بیان‌کننده آن است که بشر علاوه بر عقل به رسولان الهی نیز نیازمند است و عقل بشر نمی‌تواند به تنهایی انسان را به کمال برساند.

در دین‌شناسی اسلامی، ابتدا با روش عقلی وجود خدا و اوصاف کمالیه حق تعالی ثابت می‌شود؛ آنگاه ضرورت وجود وحی و ارتباط دنیا با خداوند اثبات می‌شود و این ضرورت ثابت می‌کند که دین باید منشأ الهی و آسمانی داشته باشد و از تحریف به دور باشد (خسروپناه، 1392: 175). بنابر این، از نظر حکمای اسلامی، دین برای زندگی بشر یک ضرورت است و انسان بدون اتصال به وحی نمی‌تواند راه سعادت و کمال دنیایی و اخروی خویش را بیابد.

سه) نتیجه جایگزینی مبانی دین‌شناسی

مبنای دین‌شناختی کانت، نگاه حادقلی به نقش دین در زندگی انسان است؛ اما در مقابل، اسلام نقش گسترده‌ای برای دین در تمام زندگی انسان حتی امور کوچک آن قائل است. بنابر این، در امور مادی انسان، همچون بستن قرارداد و تعهد نیز دین نقش ایفا می‌کند و انسان را به حال خود رها نکرده است. مبانی اسلامی قرآنی همواره بر نقش دین در امور روزمره مردم تأکید دارند و این یعنی اینکه آزادی مطلق و خودبنیادی که کانت در بستن قرارداد برای انسان قائل است، اشتباه است و انسان باید در این امور نیز پیرو دین باشد.

5. ارزش‌شناسی

یک) مبانی ارزش‌شناسی کانت

آنچه در علوم انسانی تأثیرگذار است، شناخت ارزشها و ویژگی‌های انسان مطلوب است. بنابر این، لازم است نگاه کانت به عنوان یکی از مهم‌ترین صاحبان نظریه مد نظر، به ارزشها و ملاک آنها بررسی شود. در فلسفه کانت، اخلاق و ارزش از دین مستقل است و هیچ نیازی به دین ندارد. از این رو، اخلاق در فلسفه کانت انسان‌محور است، نه خدامحور. بنابر این، ارزش بودن یا نبودن افعال انسانی بستگی به اراده مستقل انسان دارد و لاغیر.

کانت انسان را موجودی خودآیین و خودبنیاد می‌داند که به وسیله قوه عاقله و فاهمه‌اش، ارزشها و اخلاق را خلق می‌کند (سعادت‌خسه، 1389: 81؛ محمدپور، 1391: 67) و به همین خاطر است که عقل انسان صرفاً تابع قوانین برآمده از خویش است (همان: 132) و تبعیت انسان از خدا و فرامین دینی با استقلال انسان منافات دارد.

434 ♦ اسلامی سازی «اصل آزادی قراردادی» با تأکید بر مبانی قرآنی

به عبارتی؛ ریشه تکالیف انسان، درون خود انسان است (کابلستون، 1375، ج 4: 336؛ همان: 239). بنابر این، اراده خودبنیاد و مستقل انسان، منشأ ارزش و اخلاق است و این یعنی اخلاق جنبه الهی و ماورایی ندارد. در نظر کانت، فعلی اخلاقی است که به نیت انجام تکلیف و وظیفه انجام شود و اگر فعلی به غیر از این نیت انجام شود، اخلاقی نیست؛ یعنی اگر کسی تنها به نیت خوشنودی خدا هم عملی انجام دهد، آن عمل در صورتی که به قصد انجام تکلیف انجام نشده، اخلاقی محسوب نمی‌شود. بنابر این، ملاک ارزش از نظر کانت آن است که عمل به قصد انجام تکلیف واقع شده باشد. (کورنر، 1367: 279)

دو) مبانی ارزش‌شناسی اسلامی

ملاک ارزش هر چیزی در اسلام، حُسن ذاتی آن چیز است. حسن و قبح ذاتی و عقلی، یکی از مبانی ارزش‌شناختی اسلامی شیعی است؛ یعنی اینکه افعال ذاتاً حسن یا قبیح‌اند و حسن و قبح آنها منوط به اعتبار معتبر دیگری نیست.

شیعه معتقد است اگر چه عقل می‌تواند کلیات حسن و قبح افعال، همچون قبح ظلم و حسن عدل را درک کند، اما برای شناخت برخی جزئیات و مصادیق، نیازمند وحی است و این خود حاکی از نقش مهم ارتباط ارزشها و دین است (خسروپناه، 1392: 191-190). مطلق بودن گزاره‌های ارزشی، یکی دیگر از مبانی مهم ارزش‌شناختی اسلامی است. حکمای اسلامی معتقدند الزامات اخلاقی مطلق‌اند؛ یعنی همواره کلی، پایدار و همیشگی‌اند.

در قرآن کریم آیات متعددی رضای خداوند را ملاک و معیار ارزش و اعمال اخلاقی دانسته‌اند و به همین سبب، روی نیت و انگیزه الهی برای صعود به کمال و سعادت تأکید شده است (صباح، 1383: 117-118). برای نمونه، آیه شریفه 16 سوره مائده، خوشنودی خداوند را عامل هدایت دانسته است: «خداوند به برکت آن، کسانی را که از خوشنودی او پیروی کنند به راههای سلامت هدایت می‌کند، و از تاریکی‌ها - به فرمان خود - به سوی روشنایی می‌برد، و آنها را به راه راست رهبری می‌کند».

بنابر این، ارزش در نگاه قرآن، بر افعالی که با نیت خدایی و به سبب کسب رضا و خوشنودی خداوند انجام می‌شوند و موجب هدایت انسان‌اند، منطبق می‌شود؛ تعبیر سبیل السلام که در این آیه شریفه به طور مطلق و بدون قید آمده حاکی از این است که انسانی که اعمالش را با نیت خوشنودی خداوند انجام می‌دهد به راهی هدایت می‌شود و از هرگونه محرومیت‌های دنیایی و آخرتی در امان است (طباطبایی، 1390، ج 5: 245). حاصل اینکه تشخیص ارزشی بودن یا نبودن هر فعلی نیازمند دین و وحی است و بدون وحی نمی‌توان به ارزشها رسید.

سه) نتیجه جایگزینی مبانی ارزش‌شناختی

در مبنای ارزش‌شناختی کانت، ارزش و اخلاق را اراده انسان می‌سازد و این نقطه مقابل اسلام است که در آن، ارزش و اخلاق در ذات افعال وجود دارد و به کمک عقل و وحی درک می‌شوند. خلاصه اینکه در مبنای اسلامی، انسان بدون بهره‌وری از وحی، قادر به شناخت همه ارزشها و اخلاقیات نیست؛ زیرا عمل انسان وقتی حسن و ارزش است که با نیت الهی مبتنی بر خوشنودی خداوند انجام شود و این امر وقتی ممکن است که انسان دیندار باشد و به نقش دین در زندگی‌اش ایمان داشته باشد.

بنابر این، وقتی انسان می‌تواند آزادی مطلق داشته باشد که بتواند تمامی ارزشها را درک کند و حال اینکه این طور نیست. پس انسان در بستن قرارداد نیز برای شناخت ارزشهای قراردادی نیازمند وحی است و نمی‌تواند بر اراده خودبنیاد و آزادی مطلق آن حساب کند. بنابر این، آزادی مطلق اراده از این نظر نیز مخدوش است.

6. روش‌شناسی

روش‌شناسی بیان‌کننده روشهای حل مسائل علوم و تبیین آنهاست و در ارائه نظریات علمی تأثیرگذار است. از این رو، لازم است روش‌شناسی کانت مطالعه شود.

یک) روش‌شناسی کانت

با توجه به شرایط و ویژگی‌های دوره‌های اندیشه در غرب، می‌توان روشهای استفاده‌شده در علوم اجتماعی را به دو دسته تقسیم کرد: روشهای مدرن و روشهای پسا مدرن.

دوره‌های اندیشه در غرب را به سه قسم تقسیم کرده‌اند: دوره سنتی (قرون وسطی)، دوره مدرن (از رنسانس به بعد)، دوره پسامدرن (نیمه دوم قرن بیستم). هر کدام از این دوره‌ها ویژگی‌های مخصوص به خود را دارند؛ برای مثال، در دوره سنتی، اندیشه فیدنیسم (ایمان‌گرایی) حاکم بوده است؛ یعنی «من ایمان می‌آورم تا بفهمم». در واقع، روش حل مسائل علمی در آن دوره، ایمان آوردن و به عبارتی؛ فاعل شناسا، دین و آیین بوده است. سنتی‌ها را می‌توان رئالیسم دانست؛ چون رئالیست کسی است که اصل واقعیت (واقعیت هستی)، امکان شناخت (واقعیت قابل شناخت است) و معیار شناخت (برای تشخیص معرفت و شناخت صحیح معیار وجود دارد) را قبول داشته باشد. اگر کسی حتی یکی از این موارد را قبول نداشته باشد، ایدئالیسم است.

پس از رنسانس و افول کلیسا، تفکر سوبیجکتیویسم شکوفا شد و توسط دکارت (فیلسوف فرانسوی قرن 17) به خوبی تبیین شد. شعار این اندیشه آن است که «من می‌اندیشم، پس هستم». در واقع؛ روش حل مسائل علمی در این دوره، بر خلاف ایمان‌گرایی دوره قرون وسطی، تمسک به بدیهیات بود؛ یعنی برای شناخت واقعیات به جای ایمان باید از بدیهیات استفاده کرد. به هر حال، تفکر اصالت فاعل شناسای انسانی رشد یافت و در فلسفه کانت به اوج رسید.

کانت معتقد بود فاعل شناسا تنها قادر به شناخت امور حاضر نزد ذهنش است، اما معیار و ملاکی برای تشخیص شناخت صحیح و مطابق با واقع ارائه نکرده است. در فلسفه کانت، انسان سوژه (فاعل شناسا) و غیر انسان ابژه (متعلق شناخت) معرفی می‌شود، حتی خداوند نیز ابژه است نه فاعل شناسا.

دو) روش‌شناسی اسلامی

بر خلاف آنچه کانت بیان داشته که متافیزیک تنها ابژه است، حکمای اسلامی معتقدند وحی به عنوان حلقه اتصال خدا و انسان، ابتدا ابژه است؛ یعنی توسط عقل و خرد انسان شناخته می‌شود. اما زمانی که شناخته شد، تبدیل به سوژه؛ یعنی فاعل شناسا می‌شود. بنابر این، روش حل مسائل علوم در تفکر اسلام، استفاده از وحی است که به عنوان فاعل شناسای آگاه و بدون خطا از آن بهره می‌برد.

436 ♦ اسلامی‌سازی «اصل آزادی قراردادی» با تأکید بر مبانی قرآنی

در برخی از آیات، قرآن به عنوان تبیان کل شیء معرفی شده است: «قرآن را بر تو نازل کردیم که بیان همه چیز در آن است» (نحل: 89) و این حاکی از آن است که قرآن کریم به عنوان یک فاعل شناسای بدون خطا انسان را به واقع می‌رساند؛ بنابر این، انسان بدون وحی نمی‌تواند به حقایق هستی برسد.

سه) نتیجه جایگزینی مبانی روش‌شناختی

تفاوت روش‌شناسی کانت با روش‌شناسی اسلامی، آن است که در روش‌شناسی کانت تنها عقل و قوه فاعله انسان به عنوان فاعل شناسا معرفی می‌شود، اما در روش‌شناسی اسلامی علاوه بر عقل، وحی نیز جایگاه مهمی در شناخت علوم دارد. بنابر این، با جایگزینی مبانی در نظریه مزبور می‌توان گفت آزادی‌ای که کانت برای انسان در بستن قرارداد و پذیرش تعهدات، بدان قائل شده از این نظر که با روش مادی صرف به دست آمده، صحیح نیست و آزادی قراردادی‌ای که با روش استفاده از عقل و وحی به دست می‌آید، مد نظر اسلام است. بنابر این، آزادی با قلمرویی قابل پذیرش است که عقل و وحی آن را تأیید کند.

د) بحث و نتیجه‌گیری

با مطالعه فلسفه کانت به عنوان یکی از مهم‌ترین صاحبان این نظریه، مبانی سکولار این نظریه به طور خلاصه عبارتند از: 1. (هستی‌شناسی) اگر چه ماورا وجود دارد، اما انسان از آن بی‌نیاز است؛ 2. (معرفت‌شناسی) نسبی‌گرایی و ایدئالیسم؛ 3. (انسان‌شناسی) همه موجودات برای انسان و در خدمت انسان‌اند؛ 4. (دین‌شناسی) حضور حداقلی و در حاشیه دین در زندگی انسان؛ 5. (ارزش‌شناسی) شناخت ارزشها نیازمند دین نیست؛ 6. (روش‌شناسی) انسان، فاعل شناسا (سوژه) و خدا (ابژه) است.

همچنین مبانی اسلامی مختلف در این پژوهش را می‌توان به طور خلاصه چنین بیان کرد: 1. (هستی‌شناسی) انسان موجودی دو بعدی است که نیازهای مادی و فرامادی دارد و شناخت نیازهای فرامادی انسان غیر از طریق وحی ممکن نیست؛ 2. (معرفت‌شناسی) اگر چه امکان رسیدن به واقع و معرفت‌یابی واقعی وجود دارد، اما بدون وحی نمی‌توان به حقیقت رسید؛ 3. (انسان‌شناسی) انسان در مقابل خداوند، فقیر محض است و همواره محتاج فیض الهی است. بنابر این، انسان محتاج وحی است؛ 4. (دین‌شناسی) دین در زندگی انسان نقش مهم و گسترده‌ای دارد و در امور جزئی زندگی انسان نیز تأثیرگذار است. بنابر این، رسیدن به کمال بدون وحی ممکن نیست؛ 5. (ارزش‌شناسی) انسان با عقل تنها نمی‌تواند تمامی ارزشها را درک کند؛ زیرا برخی از ارزشها فقط به وسیله وحی دانسته می‌شوند؛ 6. (روش‌شناسی) در اسلام، وحی به عنوان فاعل شناسا مطرح است.

آزادی قراردادی با مبانی غربی، اراده انسان را حاکم مطلق در انجام قراردادها می‌داند و محدودیت‌های اعمال شده بر این اصل را نیز برآمده از اراده جمعی مردم دانسته است؛ یعنی در قراردادها اراده انسان هیچ محدودیتی حتی از طرف خداوند ندارد. در مقابل نظریه «آزادی قراردادی» با مبانی اسلامی، مبتنی بر اراده خداوند است؛ از این رو، آزادی را تا جایی جایز می‌داند که مخالف وحی و شرع مقدس نباشد؛ در نتیجه، آزادی انسان و قلمرو حاکمیت اراده انسان را وحی و شرع مشخص می‌کند.



منابع

- قرآن کریم.
- آهنگران، محمدرسول (1398). *بازپژوهی فقهی حقوقی اصل آزادی قراردادی با رهیافتی به حاکمیت دین*. تهران: دانشگاه تهران.
- احمدی، علی اکبر (1391). *دوران نقادی: تحلیل کانت از مدرنیته و نقد آن از دیدگاه مرتضی مطهری*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بخشایشی، رضا (1385). *عقل و دین از دیدگاه کانت*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بهرامی احمدی، حمید (1390). *حقوق تعهدات و قراردادها*. تهران: دانشگاه امام صادق.
- بیگدلی، عطاءالله (1394). «حاکمیت اراده در فقه امامیه، نظام رومی ژرمنی و حقوق ایران». *پژوهشنامه حقوق اسلامی*، ش 41: 125-150.
- پایپکن، ریچارد و آروم استرول (1391). *کلیات فلسفه*. ترجمه جلال الدین مجتوی. تهران: حکمت، چ بیست و هشتم.
- جوادی آملی، عبدالله (1379). *صورت و سیرت انسان در قرآن*. قم: اسراء.
- خسروپناه، عبدالحسین (1392). *فلسفه علوم انسانی*. قم: تعلیم و تربیت اسلامی.
- دان کیویت (1380). *دریای ایمان*. ترجمه حسن کامشاد. تهران: طرح نو.
- دژاکام، علی (1386). *تفکر فلسفی غرب از منظر استاد شهید مرتضی مطهری*. تهران: نشر معارف.
- دینانی، عبدالرسول (1395). *قواعد عمومی قراردادها*. تهران: میزان.
- ذاکر صالحی، غلامرضا (1388). *مبانی قراردادهای نامعین*. تهران: میزان.
- روحانی، مرتضی (1391). *انسان شناسی در اندیشه کانت*. تهران: امیرکبیر.
- سبحانی، جعفر (1383). *منشور جاوید*. قم: مؤسسه امام صادق.
- سعادت‌تی‌خمس، اسماعیل (1389). «نسبت عقل و دین در فلسفه کانت». *پژوهشهای علم و دین*، ش 2.
- شهرآیینی، سید مصطفی و مینا ذوالقدر (1397). «بررسی ارزیابی اسپینوزا از اراده آزاد دکارت». *شناخت*، ش 79.
- شهیدی، مهدی (1380). *تشکیل قراردادها و تعهدات*. تهران: مجد.
- صانع پور، مریم (1388). *نقدی بر مبانی معرفت‌شناسی اومانستی*. تهران: کانون اندیشه جوان.
- صناعی دره‌بیدی، منوچهر (1384). *جایگاه انسان در اندیشه کانت*. تهران: ققنوس.
- طباطبایی، محمدحسین (1390). *المیزان فی تفسیر القرآن*. لبنان: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- فروغی، محمدعلی (1360). *سیر حکمت در اروپا*. تهران: افست گلشن.
- قربانی، قدرت‌الله (1387). «علم‌گرایی انسان‌محور کانت و تأثیرات آن بر نظریه اخلاقی و دینی او». *معرفت فلسفی*، ش 19.

438 ♦ اسلامی سازی «اصل آزادی قراردادی» با تأکید بر مبانی قرآنی

- کاپلستون، فردریک (1375). **تاریخ فلسفه**. ترجمه غلامرضا اعوانی. تهران: سروش.
- کاتوزیان، ناصر (1376). **حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها**. تهران: شرکت سهامی انتشارات با همکاری بهمن برنا.
- کانت، امانوئل (1369). **بنیاد مابعدالطبیعه اخلاق**. ترجمه حمید عنایت و علی قیصری. تهران: خوارزمی.
- کانت، امانوئل (1380). **دین در محدوده عقل تنها**. ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی. تهران: نقش و نگار.
- کانت، امانوئل (1381). **رسالة کشف**. شرح و توضیح هنری ای. آلیسون؛ ترجمه مهدی ذاکری. قم: دانشگاه مفید.
- کانت، امانوئل (1380). **فلسفه حقوق**. ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی. تهران: نقش و نگار.
- کانت، امانوئل (1384). **نقد عقل عملی**. ترجمه انشالله رحمتی. تهران: نور الثقلین.
- کانت، امانوئل (1377). **نقد قوه حکم**. ترجمه عبدالکریم رشیدیان. تهران: نی.
- کورنر، اشتفان (1367). **فلسفه کانت**. ترجمه عزت‌الله فولادوند. تهران: خوارزمی.
- مالوری، فلیپ (1383). **اندیشه‌های حقوقی**. ترجمه مرتضی کلاتریان. تهران: آگه.
- مجتهدی، کریم (1386). **افکار کانت**. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- محمدپور دهکردی، سیما (1391). **کرامت انسان از دیدگاه ملاصدرا و کانت**. قم: بوستان کتاب.
- مصباح یزدی، محمدتقی (1383). **معارف قرآن (1-3)**، بخش انسان‌شناسی. قم: مؤسسه امام خمینی.
- مگی، براین (1380). **فلاسفه بزرگ؛ آشنایی با فلسفه غرب**. ترجمه عزت‌الله فولادوند. تهران: خوارزمی.
- هارتناک، یوستوس (1376). **نظریه شناخت کانت**. ترجمه علی حقی. تهران: علمی و فرهنگی.
- **Holly quran**
- Ahangaran, Mohammad Rasool (2019). **Legal jurisprudential re-examination of the principle of contractual freedom with an approach to the rule of religion**. Tehran: University of Tehran.
- Ahmadi, Ali Akbar (2012). **Critical period: Kant's analysis of modernity and its critique from the point of view of Morteza Motahhari**. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Bakhshaishi, Reza (2006). **Reason and religion from Kant's point of view**. Qom: seminary and University Research Center.
- Bahrami Ahmadi, Hamid (2011). **Rights of Obligations and Contracts**. Tehran: Imam Sadegh University.
- Bigdeli, Ataullah (2015). "The rule of will in Imami jurisprudence, the Roman-German system and Iranian law." *Journal of Islamic Law*, N. 41: 150-125
- Copleston, Frederick (1996). *History of philosophy*. Translated by Gholamreza Awani. Tehran: Soroush.
- Corner, Stefan (1988). *Kant's philosophy*. Translated by Ezatullah Fooladvand. Tehran: Kharazmi..

- Dan Qubit (2001). **Sea of Faith**. Translated by Hassan Kamshad. Tehran: tarhe no
- Dejakam, Ali (2007). **Western Philosophical Thought from the Perspective of Martyr Morteza Motahhari**. Tehran: Maaref Publishing.
- Dayani, Abdul Rasool (2016). **General rules of contracts**. Tehran: mizan
- Hartnak, Justus (1997). **Kant's theory of cognition**. Translated by Ali Haghi. Tehran: elmi va farhangi
- Foroughi, Mohammad Ali (1981). **The course of wisdom in Europe**. Tehran: Golshan Offset
- Ghorbani, Qudratullah (2016). "Kant's human-centered scientism and its effects on his moral and religious theory." *Philosophical Knowledge*, N: 19.
- Javadi Amoli, Abdullah (2000). **The Appearance and nature of man in the Qur'an**. Qom: asra
- Kant, Emmanuel (1990). **Ethics Metaphysics Foundation**. Translated by Hamid Enayat and Ali Qaisari. Tehran: Kharazmi.
- Kant, Emmanuel (2001). **Religion; alone within the limits of reason**. Translated by Manouchehr Sanei Darbehidi. Tehran: Naghsh and Negar.
- Kant, Emmanuel (2002). **Disclaimer. Artistic description. Allison**; Translated by Mehdi Zakeri. Qom: Mofid University.
- Kant, Emmanuel (2001). **Philosophy of Law**. Translated by Manouchehr Sanei Darehbid. Tehran: Naghsho Negar.
- Kant, Emmanuel (2005). **Critique of practical reason**. Translated by Insha'Allah Rahmati. Tehran: Noor al-Thaqalin.
- Kant, Emmanuel (1998). **Criticism of the power of judgment**. Translated by Abdul Karim Rashidian. Tehran: Ney.
- Katozian, Nasser (1997). **Civil law, general rules of contract**. Tehran: Publishing Company in collaboration with Bahman Borna.
- Khosropanah, Abdul Hussein (2013). **Philosophy of Humanities**. Qom: Islamic Education
- Mallory, Philip (2004). **Legal Thoughts**. Translated by Morteza Kalantarian. Tehran: Agah.
- Mujtahedi, Karim (2007). **Kant Thoughts**. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Mohammadpour Dehkordi, Sima (2012). **Human dignity from the point of view of Mulla Sadra and Kant**. Qom: Boostane ketab.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (2004). **Quranic Knowledge (1-3)**, Anthropology Section. Qom: Imam Khomeini Institute.
- Maggie, Brian (2001). **Great philosophers; Introduction to Western philosophy**. Translated by Ezatullah Fooladvand. Tehran: Kharazmi.
- Papiken, Richard and Orum Sterol (2012). **Generalities of Philosophy**. Translated by Jalaluddin Muhtabavi. Tehran: Hekmat, 28th
- Rouhani, Morteza (2012). **Anthropology in Kant's Thought**. Tehran: Amirkabir.
- Sobhani, Jafar (2004). **Manshoore javid**. Qom: Imam Sadeq Institute.

- Saadati Khamseh, Ismail (2010). "*The Relationship between Reason and Religion in Kant's Philosophy*". Science and Religion Research, Vol.2.
- Shahr-e-Aini, Seyed Mostafa and Mina Zolghadr (2018). "A Study of Spinoza's Assessment of Descartes' Free Will." Shenakht journal , N.79.
- Shahidi, Mehdi (2001). **Formation of contracts and obligations**. Tehran: Majd.
- Sanehpour, Maryam (2009). **A Critique of the Foundations of Humanist Epistemology**. Tehran: Kanoone andishe javan.
- Sanei Darhobidi, Manouchehr (2005). **The place of man in Kant's thought**. Tehran: ghoghnoos.
- Tabatabai, Mohammad Hussein (2011). **Almizan in the interpretation of the Qur'an**. Lebanon: Scientific Institute for Press.
- Zakir Salehi, Gholamreza (2009). **Fundamentals of indefinite contracts**. Tehran: mizan..

